

## اثربخشی مداخله‌ی مبتنی بر آموزش گروهی ارتباط موثر در حل تعارض‌های زناشویی همسران

الناز نیکوپور

کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

e\_n\_666@yahoo.com

### چکیده

این پژوهش به بررسی اثربخشی آموزش گروهی ارتباط موثر در حل تعارض‌های زناشویی زوجین در شهر تهران انجام شد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۲۰ زوج دارای تعارض در غرب تهران که به کلینیکی واقع در غرب تهران مراجعه کرده بودند و به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. پژوهش حاضر یک مطالعه شبه آزمایشی است، که ۲۰ نفر در گروه آزمایش (۱۰ زوج) و ۲۰ نفر (۱۰ زوج) در گروه کنترل بودند. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه‌ی تعارض زناشویی MCQ استفاده شد. در دو مرحله‌ی قبل و پس از آموزش مهارت ارتباطی پیش‌آزمون و پس از آزمون گرفته شد. ۷ جلسه آموزش مهارت ارتباطی برای گروه آموزش برگزار شد و گروه کنترل آموزشی دریافت نکردند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss 23 با روش آماری تحلیل کواریانس چند متغیری تجزیه و تحلیل شدند. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر تفاوت معنادار میان میانگین تعارض‌های زناشویی همسران بود. بدین معنا که آموزش مهارت ارتباطی منجر به کاهش تعارض‌های زناشویی شده است.

1

واژگان کلیدی: مهارت ارتباطی، تعارض‌های زناشویی، زوجین

### مقدمه

همواره زوجین دارای علایق، نظرات و دیدگاه‌های مختلفی‌اند بنابراین تعارض‌های زناشویی امری طبیعی و ذاتی در روابط همسران است (Flacke, 2013). تعارض‌های همسران یکی از شایع‌ترین مشکلات میان زوجین است. همچنین ناشی از ناهماهنگی میان زوجین در بیان خواسته‌ها، انتظارات و اختلاف در رفتارهای غیرمسئولانه می‌باشد (خدادوست، ۲۰۲۰). این پدیده دارای چهار بعد محتوا، فراوانی، شدت و حل کردن است. محتوای تعارض‌ها اشاره به موضوعاتی که منجر به تعارض می‌شود دارد، مانند شیوه‌های تربیت فرزندان، اوقات فراغت زوجین، امور مالی، خانه داری، تمایلات جنسی، بی‌اعتمادی، صمیمیت و مداخلات خویشاوندان (Wagner, 2014). پژوهش‌ها حاکی از آن است که فراوانی بروز تعارض با نارضایتی مرتبط است (Caughlin and Vangelisti, 2006). همچنین در هنگام مواجهه با تعارض مردان بیشتر از استراتژی سازش استفاده می‌کنند و زنان از استراتژی حمله نیز استفاده می‌کنند. (Delatorre and wagner, 2018). بنابراین حل و فصل کردن یکی از عوامل تعیین کننده‌ی اثرگذاری تعارض‌های زناشویی بر رابطه است. بنابراین حل و فصل کردن به عنوان مهمترین بعد در تعارض‌های زناشویی زوجین بر پویایی رابطه‌ی زناشویی و مدیریت تعارض‌ها تاثیرگذار است. علاوه بر موارد ذکر شده این بعد بر کل سیستم خانواده اثر گذار نیز هست (Fincham, 2003).

پژوهش‌های بسیاری که در سال‌های اخیر صورت گرفته‌اند نشان داده‌اند که آموزش مهارت‌های زندگی مانند مهارت حل مسئله، مهارت مدیریت خشم، مهارت کار تیمی و مهارت ارتباطی در کنترل فرد در مواجهه با مشکلات موثر است (Neuner, 2016). بنابراین در صورتی که همسران به خوبی مهارت‌های زندگی را بیاموزند در مواجهه با مشکلاتشان راه‌حل‌های بهتر و



مناسب تری را انتخاب می کنند. در نتیجه استفاده و به کارگیری مهارت های زندگی بر تداوم و پایداری زندگی زناشویی همسران و ارتقای رضایت زناشویی موثر می باشد (علیپور و همکاران، ۲۰۲۰). منظور از مهارت های زندگی مجموعه توانایی ها و قابلیت های شناختی، عاطفی و عملی است که منجر به ارتقای توانایی های روانشناختی-اجتماعی، پیشگیری از بروز رفتارهای آسیب زنده به سلامت به خصوص سلامت روان می گردد (قاسمیان و کومار، ۲۰۱۷). امروزه با توجه به سرعت تغییرات و چالش های زندگی مجهز بودن به مهارت های زندگی الزامی است. از آنجایی که این تغییرات همواره بر تمامی ابعاد زندگی مانند محیط های آموزشی، خانوادگی، شغلی تاثیرگذار است به منظور پیشگیری از تعارض های زناشویی و رضایت از زندگی زناشویی آموزش مهارت های زندگی ضرورت دارد و حائز اهمیت است (Krauss and Ahmed, 2019). مهارت ارتباطی و ارتباط موثر یکی از اصلی ترین و مهمترین ابعاد مهارت های زندگی است.

ارتباط به معنای انتقال پیام است. ارتباط نقطه نظرات مفهوم ها، معنی ها، تجربه ها و یا به عبارتی پیام را به دیگران یا میان عموم گسترش و انتقال می دهد. به طور کلی می توان ارتباط را انتقال اطلاعات از شخصی به شخصی دیگر برای آگاهی از اهداف، عقاید و ارزش ها که در نهایت منجر به شناخت می گردد، دانست. ارتباط موثر برای روابط بسیار حائز اهمیت است. ارتباط موثر به افراد به خصوص همسران کمک می کند تا بتوانند در مورد مسائلی از قبیل فرزندان، خانواده، دوستان، سلامت، مسائل اقتصادی، صمیمیت، تعهد، اعتماد و گذراندن زمانشان با یکدیگر و بدون هم تعامل برقرار کنند (Schramm and Harris, 2011). همچنین آموزش ارتباط موثر به غنی کردن رابطه، خود ابرازی، درک خود و دیگران، گوش دادن و شنیدن یکدیگر کمک می کند. علاوه بر موارد بیان شده آموزش ارتباط موثر به منظور حل کردن آسیب های گذشته، بروز رفتار و انجام فعالیت مناسب در زمان حال، چگونگی مواجهه با شکست های احتمالی زندگی مورد استفاده قرار می گیرد. بنابراین لازم است که زوج ها راه های جدید برقراری ارتباط با هم را فراگیرند و در فرضیات اصلی و اساسی پیوند دهنده شان تجدید نظر کنند. هرگاه همسران در این مورد با شکست روبه رو شوند، تعهد و صمیمیت از بین می رود و ناسازگاری و تعارض پدیدار می شود (Peterson and Green, 2009). بنابراین در این پژوهش به منظور کاهش تعارض های همسران مهارت ارتباط موثر آموزش داده شده است.

از آنجایی که چگونگی مدیریت تعارض های زناشویی همسران بر کل سیستم خانواده اثر می گذارد، پژوهش های فراوانی در این خصوص انجام شده است. در این پژوهش ها موضوعات متفاوتی مانند طول رابطه، سطح درآمد، فرزندان، سطح تحصیلات، ازدواج مجدد، را به عنوان متغیر اصلی در نظر گرفته اند (Rauer and Volling, 2015). زوج هایی که مدت طولانی تری در رابطه با یکدیگر بوده اند و مسن تر هستند، سطح تعارض کمتری دارند (Dush and Taylor, 2012). همچنین افراد با مدت رابطه ی بیشتر تعارض های خود را بهتر مدیریت می کنند و موفق تر عمل می کنند (Birditt et al, 2010). نتایج دو پژوهش ذکر شده نشان داد که طول مدت رابطه با میزان تعارض های همسران در آمریکا رابطه ی معکوس دارد. به عنوان مثال این دو پژوهش نشان دادند که رفتارهای مخرب و ناسازگار در ارتباط با همسران در طول زمان کاهش یافته و رفتارهایی سازنده و مبتنی بر مدیریت تعارض ها در طول زمان افزایش یافته است. در مطالعه ای که بر روی ۱۴۹ زوج در برزیل انجام شد دریافتند که بیشترین انگیزه ی وقوع تعارض بین همسران به دلیل ارتباط با فرزندان بوده است (Mosmann & Falcke, 2020). در مطالعه ای موفق و همکارانش (۲۰۱۵) نشان داده است که در خانواده هایی همراه با تعارض های فراوان نوجوانان دارای مشکلاتی عاطفی، رفتاری، بیش فعالی و ناتوانی در برقراری ارتباط با همسالان نیز هستند (Mowafy et al., 2015). همچنین پژوهش های متنوعی در ایران به بررسی تعارض های همسران پرداخته اند. سلیمانی و همکارانش (۲۰۲۱) در مطالعه ای که بر روی ۱۴۶ زوج در شهر اراک انجام داده اند به بررسی معادلات ساختاری مهارت های زندگی و سبک های دلبستگی با تعارض های زناشویی پرداخته اند. یافته ها نشان داد که رضایت جنسی و قصه ی عشق هر دو در رابطه بین مهارت های زندگی و



سبک های دل بستگی با تعارضات زناشویی می توانند نقش واسطه گری داشته باشند (سلیمانی و همکاران، ۲۰۲۱). مطالعه ی قمری و همکارانش (۱۳۹۱) بیانگر آن است که کیفیت روابط خانوادگی در خانواده هایی که از یکدیگر طلاق گرفته اند با خانواده هایی که طلاق نگرفته اند متفاوت است، به گونه ای که در خانواده هایی که همسران از یکدیگر طلاق گرفته اند یکی از علل اصلی طلاق تعارض های زناشویی است (قمری و همکاران، ۱۳۹۱). در پژوهش دارابی (۲۰۱۹) که به تعیین اثربخشی تحلیل رفتار متقابل و خانواده درمانی راهبردی کوتاه مدت بر تعارض های کلامی، غفلت و سو رفتار زوجها پرداخته بود بیانگر آن است که تاثیر خانواده درمانی راهبردی کوتاه مدت بر تعارض کلامی نسبت به تحلیل رفتار متقابل بیشتر بوده و در دو مورد دیگر هر دو مداخله اثرگذاری یکسانی داشته اند (دارابی و همکاران، ۲۰۱۹). با توجه به نتایج پژوهش های انجام شده می توان چنین بیان کرد که آگاهی همسران نسبت به نحوه برقراری ارتباط درست می تواند از ایجاد تعارض های زناشویی پیش گیری کند. از آنجایی که تعارض های زناشویی همسران منجر به از بین رفتن صمیمیت می شود در نتیجه از جمله مشکل سازترین الگوهای ارتباطی است. بنابراین برای رفع تعارض های موجود بین همسران ضروری است که عواملی که منجر به تعارض می شوند را شناخت و سپس آن را برطرف کرد. لازم است بیان شود که یکی از مهمترین مهارت هایی که در این خصوص می تواند به همسران کمک کند، مهارت ارتباط موثر است. این پژوهش با هدف کاهش تعارض های زناشویی از طریق آموزش ارتباط موثر به صورت گروهی انجام شده است و فرضیه ی اصلی «آموزش مهارت ارتباط موثر در حل تعارض های زناشویی موثر است» مورد ارزیابی قرار گرفته است.

3

### روش تحقیق

پژوهش حاضر مطالعه ای از نوع شبه آزمایشی است که دارای دو گروه کنترل و آزمایش است. از میان مراجعه کنندگان به کلینیکی واقع در غرب تهران (مناطق ۲ و ۵) ۲۰ زوج به صورت تصادفی به عنوان مشارکت کنندگان انتخاب شدند. زوج ها به دو گروه ۱۰ تایی (۱۰ زوج/۲۰ نفری) گروه آزمایش و کنترل دسته بندی شدند. هر دو گروه در مرحله ی پیش آزمون پرسش نامه ی تعارض های زناشویی را پاسخ داده و مشارکت کردند و پس از اعمال متغیر مستقل (آموزش مهارت ارتباط موثر) بر گروه آزمایش از هر دو گروه پس آزمون گرفته شد. به منظور جمع آوری اطلاعات از پرسش نامه ی تعارض زناشویی MCQ استفاده شده است. این پرسش نامه دارای ۵۴ گویه با طیف لیکرت ۵ تایی (همیشه=۵ و هرگز=۱) می باشد. بالاترین نمره ی پرسش نامه ۷۰ و کمترین نمره ی آن ۵۷ است. پرسشنامه ی مذکور هشت بعد تعارض های زناشویی را می سنجد. ابعاد آن عبارتند از کاهش رابطه جنسی، کاهش همکاری، افزایش واکنش های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزندان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر، کاهش ارتباط، افزایش رابطه ی فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه ی خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان. پایایی پرسش نامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۶ به دست آمده است و برای ۸ زیر مقیاس آن به ترتیب ۰/۶۱، ۰/۸۱، ۰/۷۰، ۰/۳۳، ۰/۷۱، ۰/۶۹، ۰/۸۶ و ۰/۸۹ گزارش شده است (ثنایی و همکاران، ۱۳۸۷). به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی و استنباطی تحلیل کوواریانس چند متغیری با استفاده از نرم افزار SPSS 23 استفاده شده است.

### جدول ۱

#### خلاصه جلسات آموزشی

جلسه	عنوان جلسه	خلاصه جلسه
جلسه ی اول	تنظیم اولین جلسه ی زوجین با یکدیگر	قردانی کردن/ برنامه ریزی برای داشتن اوقات خوش/ مواجهه با چالش ها و مشکلات/ تمرین عملی



جلسه ی دوم	تنظیم ارتباط : قوانین بنیادی	استفاده از تکنیک های لازم در هنگام مواجهه با چالش و تعارض
جلسه ی سوم	تکنیک شنونده-گوینده	آموزش تکنیک/ تفکیک نقش مشترک زوجین، نقش شنونده و نقش سخنران
جلسه ی چهارم	ارتباط قاطعانه	آموزش ارتباط قاطعانه و مثال / ارائه تمرین
جلسه ی پنجم	ارتباط خوب	آشنایی با موانع شکل گیری ارتباط خوب
جلسه ی ششم	خود کنترلی	پرهیز از واکنش افراطی، برقراری رابطه ی اثر گذار مانند خوب گوش دادن، درخواست کردن محترمانه، حل مسئله مبنی بر رابطه ی برد-برد، توقف بحث در مواقع مورد نیاز
جلسه ی هفتم	استراتژی مهلت و درخواست استراحت	توجه به علائم جسمی و روانی خود، بیان کلامی یا نمادین خواسته خود/ دور شدن از موقعیت/ انجام رفتارهایی که به آرامش شما کمک می کند/ پاسخ دادن به جای بروز واکنش/ نزد همسر خود بازگردید و در مورد خواسته ها و نیازهای خود و همسرتان صحبت کنید

4

یافته ها

جدول ۲

انحراف استاندارد و میانگین مشارکت کنندگان براساس تعارض های زناشویی

پس آزمون		پیش آزمون		گروه	متغیر
SD	M	SD	M		
10/41	123/65	9/13	139/7	آزمایش	تعارض های زناشویی
10/5	140/15	9/42	141/9	کنترل	

بررسی میانگین ها در جدول فوق بیانگر آن است که میانگین گروه آزمایش از پیش آزمون تا پس آزمون افزایش داشته است اما میانگین گروه کنترل افزایش ناچیزی داشته است.

جدول ۳

آزمون کالاموگروف-اسمیرونوف برای بررسی توزیع نرمال

سطح معناداری	کالاموگروف-اسمیرونوف	متغیر
۰/۱۳۵	۰/۲۰۰	تعارض های زناشویی

جدول بالا به بررسی توزیع نرمال داده ها پرداخته است. با توجه به سطح معناداری ۰/۱۳۵ و آماره ی آزمون ۰/۲۰۰ به دست آمده که سطح معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ بوده است، در نتیجه توزیع داده ها به صورت نرمال است.



### جدول ۴

بررسی برابری واریانس (آزمون لوین) در دو گروه

متغیر	F	Df1	Df2	سطح معناداری
تعارض های زناشویی	۶/۸۴۲	۱	۳۸	۰/۱۱۶

باتوجه به جدول بالا سطح معناداری بیانگر آن است که داده های حاصل از پژوهش مفروضه ی تساوی خطای واریانس را تایید کرده است. نتایج جدول ۴ نشان داده است که هر دو گروه از نظر واریانس همگن اند و نتایج بعدی ما پایا هستند.

### جدول ۵

تحلیل کوواریانس آموزش مهارت ارتباط موثر بر تعارض های زناشویی

منبع تغییر	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	اندازه ی اثر	توان آزمون
پس آزمون	۲۱۵۵/۱۰۳	۱	۲۱۵۵/۱۰۳	۳۶/۵۸۸**	۰/۴۷۸	۱
کل	۶۸۸۳/۶	۴۰				

یافته های حاصل از جدول بالا حاکی از آن است که مقدار سطح معنادار F از ۰/۰۱ آلفا کوچکتر است. بنابراین می توان بیان کرد که تفاوت معناداری میان گروه آزمایش و کنترل پس از انجام مداخله وجود دارد. همچنین آموزش مهارت ارتباط موثر بر تعارض های زناشویی تاثیرگذار بوده است و منجر به کاهش تعارض های زناشویی میان گروه آزمایش گردیده است. می توان چنین بیان کرد که آموزش مهارت ارتباط موثر ۰/۴۷ درصد از واریانس پس آزمون را به خود اختصاص داده است.

### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش گروهی ارتباط موثر در حل تعارض های زناشویی زوجین در شهر تهران انجام شده است. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن بود که آموزش ارتباط موثر و مجهز بودن همسران به این مهارت منجر به کاهش تعارض های زناشویی می شود. همان طور که می توانیم تعارض را بدین شکل تعریف کنیم، «وجود ناسازگاری و نبود توافق افراد به دلیل داشتن علایق و ادراکات متفاوت، اهداف متفاوت از یکدیگر، که منجر به بروز درگیری های زناشویی و تداوم آن نیز می گردد». بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش حاصل می توان با به کارگیری ارتباط موثر میزان قابل توجهی از درگیری های ذکر شده را کاهش داد. نتایج پژوهش حاضر با پژوهش های مطبوعی (۲۰۱۴)، امانی و لطافتی (۱۳۹۲)، امانی و آزادی فرد (۱۳۹۵)، زنجانی و همکاران (۲۰۱۵)، شریعتی و همکاران (۲۰۱۴) و اسماعیل پور و همکاران (۱۳۹۲) همخوانی دارد. نتایج اکثر پژوهش ها بیانگر آن است که اکثر زوج های دارای تعارض و ناسازگار مهارت های ارتباطی ضعیفی دارند. اگرچه تعارض در روابط زوجین امری طبیعی است اما باید توجه داشت که بی توجهی به این موضوع و رسیدگی نکردن به آن منجر به افزایش ناراضیاتی همسران و در نتیجه طلاق می شود. بنابراین لازم است گام های موثری در خصوص پیشگیری از وقوع طلاق بین زوجین برداشته شود.

باتوجه به اهمیت آموزش مهارت ارتباط موثر لازم است افراد قبل از ازدواج مهارت های زندگی به خصوص مهارت ارتباط موثر را فراگیرند. همچنین افراد نسبت به تعارض های پیش آمده در اوایل زندگی خود واهمه ای نداشته باشند و در راستای شناخت



یکدیگر و افزایش تاب‌آوری گام بردارند. لازم است افراد نسبت به یکدیگر شنونده‌ی فعالی باشند و تلاش کنند تا یکدیگر را درک کنند. علاوه بر موارد بیان شده ضرورت دارد که خدمات مشاوره‌ای پیش از ازدواج و خانواده درمانی در دسترس خانواده‌ها با توان مالی متفاوتی قرار داشته باشد. علیرغم موارد ذکر شده اطلاع رسانی و آگاه سازی در این خصوص بسیار اهمیت دارد. بنابراین بهتر است در مدارس بر روی مهارت‌های ارتباطی و آموزش ارتباط موثر تاکید شود. پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی از قبیل نداشتن دسترسی گسترده به گروه هدف، مقاومت اولیه‌ی زوجین نسبت به مشارکت در پژوهش، نداشتن فضای مناسب جهت برگزاری جلسات آموزشی، هماهنگی زمان شرکت در جلسه برای زوجین با توجه به اینکه آقایان و برخی از خانم‌ها به کار اشتغال داشتند روبه‌رو بوده است. لازم است بیان شود که تمامی شرکت‌کنندگان به‌صورت آگاهانه و با رضایت کامل در پژوهش مشارکت داشتند. همچنین پژوهشگر تمامی تلاش خود را در راستای حفظ اطلاعات مراجعین و اصل رازداری انجام داده است.

### منابع

ازادی فر، صدیقه و امانی، رزیتا، ۱۳۹۵، رابطه باورهای ارتباطی و سبهای حل تعارض با رضایت زناشویی، <https://civilica.com/doc/703721>

امانی، احمد، لطافتی بریس، رامین. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش گروهی مهارت‌های ارتباطی بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین. مشاوره کاربردی، ۳ (شماره ۲)، ۳۶-۱۷.

اسماعیلپور، خلیل، خواجه، وجیهه، مهدوی، نفیسه. (۱۳۹۲). پیش‌بینی رضایت زناشویی همسران بر اساس باورهای ارتباطی و مهارت‌های ارتباطی. فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال ۹، شماره ۱، صص ۴۴-۲۹.

Alipour Z, Kazemi A, Kheirabadi G, Eslami A -A. (۲۰۲۰). Marital communication skills training to promote marital satisfaction and psychological health during pregnancy: a couple focused approach. *Reproductive health*.;17(1):23 -30. 5 . [Persian]

Abhar Zanjani, F., Khajeh-Mirza, V., Seyyedi, M., Shahabizadeh, F., Dastjerdi, R., & Bahreinian, A. (2015). Assessment on relationship beliefs and marital burnout among fertile and infertile couples. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 17(2), 81-6. 16-

Birditt, K. S., Brown, E., Orbuch, T. L., & McIlvane, J. M. (2010). Marital conflict behaviors and implications for divorce over 16 years. *Journal of Marriage and Family*, 72(5), 1188-1204. doi:10.1111/j.1741-3737.2010.00758.x

Caughlin, J. P., & Vangelisti, A. L. (2006). Conflict in dating and marital relationships. In J. G. Oetzel & S., Ting-Toomey (Eds.). *The SAGE handbook of conflict communication: integrating theory, research, and practice* (pp. 129-157). Thousand Oaks, CA: SAGE Publications, Inc. doi: 10.4135/9781412976176

Darbani, S.A., Farokhzad, P., & Lotfi Kashani, F. (2019). The effectiveness of Transactional Analysis (TA) compared to Brief Strategic Family Therapy (BSFT) on verbal contradictions, neglect and abuse of couples. *Quarterly of Applied Psychology*, 13(3): 347-370. [Persian]

Delatorre, M.Z., & Wagner, A. (2018). Marital Conflict Management of Married Men and Women. *Psico-USF*.

Falcke, D., Wagner, A. & Mosmann, C. (2013). Estratégias de resolução de conflito e violência conjugal. In: T. Féres-Carneiro (Ed). *Casal e família: Transmissão, conflito e violência* (pp. 159-174). São Paulo: Casa do Psicólogo.

Fincham, F. D. (2003). Marital conflict: Correlates, structure and context. *Current Directions in Psychological Science*, 12(23), 23-27. doi: 10.1111/1467-8721.01215

Ghasemian A, Kumar GV. (۲۰۱۷) Effect of life skills training on psychological distress among male and female adolescent students. *Indian Journal of Health and Wellbeing*.;8(4):279. 6 . Nasheeda A, Abdullah HB [Persian]



- Gamari.H, Khoshnoudniya.B, Rafiei.H. (1391). compare sensation seeking and family functioning among divorced ,during divorce and non-divorced individuals. *Journal of Family Counseling & Psychotherapy*, 5(3): 55-80. [Persian]
- Kamp Dush, C. M., & Taylor, M. G. (2012). Trajectories of marital conflict across the life course: Predictors and interactions with marital happiness trajectories. *Journal of Family Issues*, 33(3), 341-368. doi: 10.1177/0192513X11409684
- Khodadust S, Ebrahimi Moghadam H.(2020) Effectiveness of Olson circumplex model training on attachment styles and marital conflicts in couples exposed emotional divorce. *Family Counseling and Psychotherapy*,; 9(2): 53-72. [Persian]
- Krauss SE, Ahmed NB.(۲۰۱۹) A narrative systematic review of life skills education: effectiveness, research gaps and priorities. *International Journal of Adolescence and Youth*. 24(3):362 -79.
- Mosmann, C., & Falcke, D. (2020). Conflitos conjugais: Motivos e frequência. *Revista da SPAGESP*, 12(2), 5-16. Retrieved from <http://pepsic.bvsalud.org/pdf/rspagesp/v12n2/v12n2a02>.
- Mowafy, M., Ahmed, D., Halawa, E., & Emad El Din, M. (2015). Prevalence and predictors of emotional and behavioral problems among rural school Egyptian adolescents. *The Egyptian Journal of Community Medicine*, 33(1), 79-93.
- Motiee Z. (۲۰۱۴).The mediation role of love stories in regards to early maladaptive schemas and marital satisfaction. *International Journal of Behavioral Sciences*. 8(3):219 -26.
- Neuner -Jehle S, Grüniger U.(۲۰۱۶) Efficacy of a communication skill training fostering health promotion in primary care: a mixed method analysis. *Journal of Community Medicine & Health Education*,;6(2):1000413.4
- Peterson, R., & Green, S.(2009). Families first keys to Successful Family Functioning "Family Roles". [http:// www.ext.vt.edu/pubs/family/](http://www.ext.vt.edu/pubs/family/) 350-093. – Rebecca, R. (2008). Positive conflict with your adolescent can be healthy and help relationships grow. Kingston: Publisher Youth Services.
- Rauer, A., & Volling, B. (2015, March 2). The role of relational spirituality in happily-married couples' observed problem-solving. *Psychology of Religion and Spirituality*. Advance online publication. [http:// dx.doi.org/10.1037/rel0000022](http://dx.doi.org/10.1037/rel0000022)
- Schramm, D.G., and V.W. Harris. (2011). Marital quality and income: An examination of the influence of government assistance. *Journal of Family and Economic Issues* 32, 437–448.
- Shariati, S., Ahmadi, S., Amiri, P. (2014). The relationship between irrational beliefs and Perfectionism with marital adjustment. *Reef Resources Assessment and Management Technical Paper*, 40 (1), 660-667.
- Soleimani E, Tanha Z, Malekirad A, Kordestani D.(۲۰۲۱) Structural Equations Modeling of Life Skills and Attachment Styles with Marital Conflicts: the Mediating Role of Sexual Satisfaction and Couples' Love Stories . *Res Behav Sci* 19(1): 128 -138
- Wagner, A., & Grzybowski, L. S. (2014). Como os filhos percebem o relacionamento conjugal de seus pais? In D. M. Arpini, & S. D. Cúnico (Orgs.). *Novos olhares sobre a família: Aspectos psicológicos, sociais e jurídicos* (pp. 39-53). Curitiba: CRV